

یکی دیگر از جرم‌های هادی عالم و آدم (ع)

برای صهیونیست اسباب دیگری نیز هست که از آنحضرت به خشم بیاید...



به خاک مالیدن پوزة مروجان عرفان‌های کاذب
 امام‌هادی(ع): هدف عرفان‌های کاذب جذب دل‌های ابلهان است
 امام‌هادی(ع): صوفیان، یهودیان امت اسلام‌اند
 امام‌هادی(ع): جز ابلهان، به عرفان‌های کاذب جذب نمی‌شوند
 امام‌هادی(ع): دیدار با عارفان دروغین، مانند زیارت شیطان است
 امام‌هادی(ع): عارفان دروغین، مانند یزید و معاویه و ابوسفیان
 امام‌هادی(ع): شیعه صوفی مشرب، پست‌ترین صوفیان است
 امام‌هادی(ع): صوفیان راهشان از ما جداست
 امام‌هادی(ع): تمامی صوفیان با ما مخالف‌اند
 امام‌هادی(ع): صوفیان سعی دارند نور الهی را خاموش کنند

«#تنها تفاوت عملکرد امام هادی علیه السلام با سایر حجج حقه الهی این است که آن امام برحق، شرایط را برای بیان روشن ویژگی‌های ولی خدا، مناسب شناخته‌اند و آن را با زیباترین عبارات و شیواترین کلمات در غالب زیارت جامعه کبیره، بعنوان هدیه به بشریت، بیان کرده‌اند و همین مسئله است که - به ویژه با بیداری اسلامی - صهیونیست سرتا پا غارتگری را نگران کرده است و از حدود 14 ماه پیش از این افرادی را برای هتاکي به استخدام درآورده است و ...

برای صهیونیست اسباب دیگری نیز هست که از آنحضرت به خشم بیاید؛ از جمله اینکه سالهاست با ساختن هر روزی يك عرفان دروغین تعدادی از جوانان مسلمان را به بهانه عرفان و ... به خود جذب می‌کند و از بین اولیا الله آن امام که با صراحت و با سدیدترین تعبیرات با عرفان‌سازی برخورد و علیه آن روشنگری فرموده است همین هادی عالم و آدم حضرت علی النقی صلوات الله علیه است.

پس باید او را کوچک کند تا در صورت مواجهه جوان مسلمان با فرمایشات او(صلوات الله علیه)؛ ارزش سخنانش را کاسته باشد و از تأثیراتش جلوگیری نماید.

برای روشن شدن شدن این مطلب -ضمن تشکر از خبرگزاری مهر- گذری داریم بر شرایط تاریخی زمان آن امام همام(صلوات الله علیه) و موضع‌گیری‌های خردمندان و قاطعانه آن حضرت در مقابل انحرافات.

گذری بر شرایط تاریخی و فرهنگی حیات امام‌هادی(ع)

دوران امامت علی النقی(صلوات الله علیه) به دلیل گسترش فرهنگی در گرایش‌های اعتقادی و بحث‌های علمی که از برخورد میان مکتب‌های کلامی و تحولات فرهنگی مختلف ناشی شده بود، از ویژگی خاصی برخوردار است. در این دوران، مکتب‌های عقیدتی گوناگونی چون «#معتزله» و «#اشاعره» گسترش یافته و پراکندگی آرای فراوانی در سطح فرهنگی جامعه پدید آمده بود. مباحثی کلان چون: جبر و تفویض، ممکن یا ناممکن بودن رؤیت خداوند، تجسیم و ... افکار عمومی جامعه را دستخوش تاخت و تازهای فکری کرده بود. سرچشمه این تحولات فکری در رویکرد دولت عباسی به مسائل علمی و فرهنگی و نیز هجوم فلسفه و کلام دیگر ملل به سوی جامعه مسلمانان خلاصه می‌شود. دستگاه حکومتی، کتاب‌های علمی دانشمندان ملل دیگر را به عربی ترجمه می‌کرد و در اختیار مسلمانان می‌گذاشت. این روند از زمان مأمون آغاز شد و به تدریج ادامه یافت و به اوج خود رسید.

در دوره عباسی کتاب‌های بسیاری از زبان‌های یونانی، سریانی، هندی، نبطی و لاتین ترجمه گردید. عباسیان لحظه‌ای دانشمندان غیرمسلمان را از خود دور نمی‌کردند. متوکل و مهتدی، دانشمندان را بر تخت می‌نشاندند و با آنان شراب می‌نوشیدند و امیران و وزیران خود را در برابر آنها ایستاده نگه می‌داشتند؛ به گونه‌ای که هیچ بزرگی در مقابل آنها حق نشستن نداشت.

نزدیکی بیش از حد خلفا با غیرمسلمانان و احترام بیش از اندازه به آنها، عقاید شوم و ضد اسلامی حاکمان را به روشنی برملا می‌ساخت. به خوبی آشکار است که این احترام و صرف آن همه بودجه‌های هنگفت، صرفاً جهت دانش پروری و علم دوستی نبوده است. آنان با جمع آوری کتاب‌های علمی گوناگون جایگاهی مناسب را در گسترش مناظره‌های علمی فراهم آوردند و اهداف مشخص و از پیش تعیین شده‌ای را در این موضوع دنبال می‌کردند؛ البته آنچه از بررسی زندگی علمی امام‌هادی(صلوات الله علیه) در مناظره‌های علمی به دست می‌آید، برتری مبانی اعتقادی شیعه را در این برهه از زمان آشکار می‌سازد.

تلاشهای گسترده امام‌هادی(ع) در زمینه‌های فرهنگی

پیدایش این همه آرا و نظرات گوناگون، سبب آشفتگی در اوضاع فرهنگی و اجتماعی گردید و حاصل این آشفتگی، در پیدایش گروه‌های گوناگونی چون: غلات، واقفیه، صوفیه و مجسمه نمود یافت.

حاکمیت نیز از این آشفتگی فرهنگی برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌جست.

در این میان، تیزیابی امام (صلوات الله علیه) در شناخت خط توطئه و استحاله فرهنگی نقشه‌های دین‌ستیزانه آنان را آشکار ساخت. اگر چه مراقبت شدید از ایشان، اندکی آنان را در رسیدن به هدف ننگینشان یاری می‌داد و عدم دسترسی به امام (صلوات الله علیه)، مشکلات جامعه اسلامی را افزون‌تر می‌کرد، اما آن حضرت با نهایت درایت، در خنثی کردن این توطئه‌ها کوشیدند. از پدیده‌ترین تلاشهای امام‌هادی(ع) در دوران زندگی‌شان، فعالیت در زمینه‌های فرهنگی و مبارزه با گروههای منحرف عقیدتی همچون صوفیه، واقفیه و... بود.

یکی از اندیشه‌های منحرفی که با رخنه در جامعه اسلامی، سبب بدنامی شیعه و تشویش افکار عمومی جامعه مسلمانان شد، «تصوف» بود.

لعن امام‌هادی(ع) بر صوفیه

صوفیان با نمایاندن چهره‌های زاهد، عارف، خداپرست، بی‌میل به دنیا و پاک و منزله از پستی‌ها و آرایش‌های دنیایی در اماکن مقدسی چون مسجد پیامبر(ص) گرد هم می‌آمدند و به تلقین اذکار و اوراد با حالتی خاص می‌پرداختند؛ به گونه‌ای که مردم با دیدن حالت آنها می‌پنداشتند با پرهیزکارترین افراد روبه‌رو هستند و تحت تأثیر رفتارهای عوام فریبانه آنان قرار می‌گرفتند.

امام‌هادی(ع) با واکنش‌های به هنگام، این توطئه عقیدتی را

خنثی ساخت.

در تاریخ نقل شده است؛ روزی امام‌هادی(ع) با گروهی از یاران خود

در مسجد مقدس پیامبر(ص) نشست بودند. گروهی از صوفیه وارد مسجد النبوی(ص) شدند و گوشه‌ای از مسجد را برگزیده، دور هم حلقه زدند و با حالتی ویژه، مشغول تهلیل(ذکرگفتن) گردیدند.

امام (ع) با دیدن اعمال فریب کارانه آنها، به یاران خود فرمودند: «به این جماعت حيله گر و دو رو توجهی نکنید. اینان همنشینان شیاطین و ویران‌کنندگان پایه‌های استوار دین‌اند. برای رسیدن به اهداف تن‌پرورانه و رفاه طلبانه خود، چهره‌های زاهدانه از خود نشان می‌دهند و برای

به دام‌انداختن مردم ساده دل، شب زنده داری می‌کنند.

به راستی که اینان مدتی را به گرسنگی سر می‌کنند تا برای زین کردن، استری بیابند. اینها لا اله الا الله نمی‌گویند، مگر اینکه مردم را گول بزنند و کم نمی‌خورند، مگر اینکه بتوانند کاسه‌های بزرگ خود را پر سازند و دلهای ابلهان را به سوی خود جذب کنند. با مردم از دیدگاه و سلیقه خود درباره دوستی خدا سخن می‌گویند و آنان را رفته رفته و نهانی در چاه گمراهی که خود کنده‌اند، می‌اندازند.

همه این وردهایشان، سماع و کف‌زدنشان و ذکرهایی که می‌خوانند، آوازه خوانی است و جز ابلهان و نابخردان، کسی از آنان پیروی نمی‌کند و به سوی آنان گرایش نمی‌یابد. هر کس به دیدار آنها برود، چه در زمان زندگانی آنان و چه پس از مرگ آنها، گویی به زیارت شیطان و همه بت پرستان رفته است و هر کس هم به آنان کمک کند، مانند این است که به پلیدانی چون یزید و معاویه و ابوسفیان یاری رسانده است.»

وقتی سخنان امام (ع) به اینجا رسید، یکی از حاضران با انگیزه‌ای که امام (ع) از آن آگاهی داشت، پرسشی مطرح کرد که سبب واکنش تند ایشان شد.

او پرسید: «آیا این گفته‌ها در حالی است که آنان به حقوق شما اقرار داشته باشند؟»

امام (ع) با تندی به او نگریست و فرمود: «دست بردار از این پرسش! بدان که هر کس به حقوق ما اعتراف داشته باشد، هرگز این چنین مشمول نفرین و طعن و لعن ما نمی‌شود. آنان که این اعمال را انجام می‌دهند و به حقوق ما نیز اعتراف دارند، پست‌ترین طایفه صوفیان‌اند؛ چرا که تمامی صوفیان با ما مخالف‌اند و راهشان نیز از ما جداست. آنها یهودیان و نصرانیان امت اسلام‌اند. همین‌ها هستند که سعی در خاموش کردن نور الهی دارند؛ ولی خداوند نورش را بر همگان به طور کامل خواهد تاباند، هر چند که کافران ناخشنود باشند.»

مشکل اعتقادی دیگری به نام «واقفیه»

«واقفیه» از دیگر فرقه‌های دوران امام‌هادی(ع) بودند که امامت

علی بن موسی الرضا(ع) را نپذیرفته و پس از شهادت پدر گرامی ایشان، امام موسی بن جعفر(ع) متوقف در ولایت پذیری ائمه شده و در امامت و رهبری جامعه دچار ایستایی شدند.

آنان با انکار امامان پس از امام کاظم (ع) و موضع‌گیری در مقابل امامان، حتی مردم را از پیروی ایشان منع می‌کردند. امام‌هادی(ع) نیز برای اثبات جایگاه امامت و پیشوایی خود به آنان، دست به رویارویی فرهنگی زد و آنها را نیز بسان غلات و صوفیان، مشمول لعن و نفرین خود کرد تا آنان را به مردم بشناساند.

مناظره‌های علمی و اعتقادی

همانطور که پیش‌تر گفته شد، دولت عباسی همواره به دنبال برپایی جلسه‌های مناظره و گفتگوی علمی بود که برقراری این گونه جلسه‌ها در زمان مأمون عباسی به اوج خود رسید و این روند تا دوران امامت امام‌هادی(ع) نیز ادامه یافت.

برپایی این مجالس برای رشد و توسعه علمی نبود. بلکه به خیال خام خود، برای درهم شکستن چهره علمی امامان و زیر سؤال بردن دانش و حتی امامت آنان تشکیل می‌شد.

البته این کار نه تنها دشمنان را به مقصود خویش نمی‌رساند، بلکه موجب آشکارتر شدن مقام علمی ائمه و رسوایی و فضاحت دستگاه خلافت و مناظره کنندگان نیز می‌شد؛ و بزرگ پیشوایان دانش و معرفت، از این فرصت برای روشن کردن اذهان عمومی و نشر فرهنگ اصیل اسلامی بهره برداری می‌کردند.

يك مناظره

روزی متوکل عباسی برای این منظور، دو تن از دانشمندان به نامهای «یحیی بن اکثم» و «ابن سکیت» را به خدمت خواند تا نشست علمی با امام علی النقی(ع) ترتیب دهند.

در نشستی که به این منظور ترتیب داده شده بود، متوکل از یحیی بن اکثم خواست تا پرسش‌های خود را مطرح کند.

او نیز کاغذی بیرون آورد که در آن پرسش‌های پراکنده‌ای را مطرح کرده بود و پاسخ را از امام (ع) به طور مکتوب خواست.

پرسش‌های او درباره تأویل و تفسیر برخی آیات قرآن، گواهی زن، احکام خنثی، دلیل بلند خواندن نماز صبح و مسائلی درباره عملکرد امیر مؤمنان علی(ع) بود.

امام به پرسش‌های وی پاسخ داد و افزون بر اثبات جایگاه علمی خود، 13 پرسش مشکل را برای شیعیان پاسخ گفت و به صورت غیرمستقیم، معارف واقعی اسلام را در اختیار خواهندگان قرار داد.

پاسخهای امام‌هادی(ع) آنچنان کوبنده و دقیق بود که یحیی بن اکثم در پایان این رویارویی، به متوکل گفت:

«پس از این جلسه و این پرسش‌ها، دیگر سزاوار نیست که از او درباره مسئله دیگری پرسش شود؛ زیرا هیچ مسئله‌ای پیچیده‌تر از این‌ها وجود ندارد و او از عهده پاسخگویی به همه آنها برآمد و آشکار شدن بیشتر مراتب علمی او، موجب تقویت شیعیان خواهد شد.»

امام علی النقی(ع) و مکتب‌های کلامی

در عصر امام نقی (ع) مکاتب عقیدتی متعددی همچون «معتزله» و «اشاعره» رواج یافته و آراء و نظریات کلامی فراوانی در جامعه اسلامی پدید آمده بود و بازار مباحثی همچون جبر، تفویض، امکان یا عدم امکان رؤیت خدا، جسمیت خدا، و امثال اینها بسیار داغ بود، از اینرو، گاه امام در برابر سؤال‌هایی قرار می‌گرفت که پیدا بود از این گونه آراء و نظریات سرچشمه گرفته است.

نفوذ آراء و نظریات باطل از این راه در محافل شیعه، ضرورت هدایت و رهبری فکری شیعیان را از سوی امام شدت می‌بخشید، از اینرو پیشوای دهم طی مناظرات و مکاتبات خود، بی پایگی مکاتب و آراء و نظریات باطل همچون جبرگرایی و جسمیت خدا و... را با استدلال‌های روشن و قاطع اثبات می‌نمود و مکتب اصیل اسلام را پیراسته از هر گونه تحریف و تفکر باطل، به جامعه عرضه می‌کرد، و این یکی از جلوه‌های عظمت علمی آن بزرگوار بود.

مطالعه و بررسی حیات علمی امام نشان می‌دهد که اکثر مناظرات امام‌هادی النقی(ع) پیرامون این گونه موضوعات کلامی بوده و روایات متعددی از آن حضرت در این زمینه نقل شده است که برتری مبانی اعتقادی شیعه را به روشنی ثابت می‌کند.

به عنوان نمونه می‌توان از نامه مفصل امام(ع) یاد کرد که در پاسخ سؤال مردم اهواز درباره موضوع «جبر» و «تفویض» نگاشته و طی آن با بیان روشن و استلال قاطع، نظریه درست را که نه جبر است و نه تفویض، اثبات کرده است.

مبارزه با خرافه پرستی

خرافه پرستی از جمله مباحثی است که موجب بدعتها در یک جامعه می‌شود و به همین دلیل ائمه معصومین(ع) در دوران حیات خویش نسبت به این مسائل واکنش‌های هدایتگرانه داشتند از جمله امام‌هادی(ع) که به مبارزه فرهنگی با آن پرداخت.

پاسخگویی به مسائل فقهی

به دلیل جایگاه ویژه علمی و مرجعیت خاص امام‌هادی(ع) بسیاری از مسائل شرعی به ایشان بازگشت داده می‌شد. ایشان بیشترین اهمیت را نسبت به نشر شریعت اسلامی و تبیین احکام الهی مبذول می‌داشتند.

به قائلین «تجسیم ذکات ندهید»

به عنوان نمونه، از امام (ع) درباره مصرف زکات پرسیدند. ایشان پس از بیان موارد مصرف آن، افزود: «به کسانی که قائل به جسم بودن خدا هستند، زکات ندهید و نماز نیز پشت سرشان نخوانید.»

سجده بر شیشه جایز نیست

«حسن بن مصعب مدائنی» به امام‌هادی (ع) نامه‌ای می‌نویسد و نظر ایشان را درباره سجده بر شیشه جویا می‌شود. این در حالی بود که او و برخی دیگر می‌پنداشتند که هر چه از زمین باشد، سجده بر آن اشکال ندارد. امام در پاسخ وی گفت: شیشه از شن و نمک است و سجده بر آن جایز نیست.

حکم نماز با لباسی که از موی انسان تهیه شده

همچنین «ربان بن صلت» از امام‌هادی(ع) درباره نماز با لباسی که از موی انسان تهیه شده باشد، می‌پرسد و امام (ع) به جواز آن فتوا می‌دهد.

نماز و روزه بی هوش قضا ندارد

همچنین «علی بن مهزیار» از امام می‌پرسد: «آیا نماز شخصی که از هوش رفته است، قضا دارد یا نه؟» «امام (ع) در پاسخ می‌فرماید: «او نه روزه اش را قضا می‌کند و نه نمازش را؛ زیرا هر چه را خداوند بر شخص غالب کرده، خود نیز پذیرنده عذر اوست.»

منظور از#171؛اللهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»

#171؛عباس بن هلال» از امام هادی(ع) درباره تفسیر آیه #171؛اللهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» پرسید و امام فرمود: #171؛یعنی خداوند راهنمای در آسمان‌ها و در زمین است.

کلمه #171؛کثیر» بر چند دلالت می‌کند

گفته‌اند: روزی متوکل عباسی بیمار شد و نذر کرد که اگر بهبود یابد، تعداد کثیری سکه طلا صدقه دهد. پس از مدتی بهبود یافت و خواست که نذر خود را ادا کند. از فقهای دربار خود پرسید که با توجه به این نذر چقدر باید صدقه بدهد و کلمه #171؛کثیر» بر چند دلالت می‌کند. فتاوی بسیار و گوناگونی از فقهای دربار صادر شد و هیچ یک نتوانستند به درستی تعداد را مشخص کنند.

ناگزیر از امام هادی(ع) کمک خواستند و امام فرمود: #171؛باید 80 سکه زر بپردازم.

این پاسخ شگفتی حاضران را برانگیخت و از امام(ع) خواستند که نظر خود را تشریح کند.

امام(ع) فرمود: #171؛خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: #171؛لَقَدْ تَصَرَّكُمُ اللهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ» یعنی خداوند شما (مسلمانان) را در موارد کثیر یاری فرمود. و همه خاندان، روایت کرده‌اند که تعداد جنگها و سربیه‌های زمان پیامبر اکرم (ص) 80 نبرد بوده است. متوکل حیرت زده شد و 10 هزار درهم برای امام (ع) فرستاد.

تربیت شاگردان مکتب اهل بیت(ع)

گرچه عصر زندگی امام نقی(ع) عصر اختناق و استبداد بود و امام(ع) برای فعالیت فرهنگی در سطح گسترده آزادی عمل نداشت و از این نظر فضای جامعه با عصر امام باقر(ع) و به ویژه امام صادق(ع) تفاوت فراوان داشت؛ اما آن حضرت در همان شرایط نامساعد، علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی از طریق مناظرات، مکاتبات، پاسخگویی به سؤالات و شبهات، و تبیین بینش درست در برابر مکاتب کلامی منحرف، راویان و محدثان و بزرگانی از شیعه را تربیت کرد و علوم و معارف اسلامی را به آنان آموزش داد و آنان این میراث بزرگ فرهنگی را به نسلهای بعدی منتقل کردند.

شمار شاگردان آن امام همام را بالغ بر 185 تن بر شمرده‌اند که همگی از دانشمندان و بزرگان علمی روزگار خود به شمار می‌آمدند که از جمله می‌توان به فضل بن شاذان، حسین بن سعید اهوازی، ابوهاشم جعفری، ابن السکیت اهوازی، حسن بن علی(نیای مادری #171؛سید مرتضی)، عثمان بن سعید (نخستین نایب خاص امام زمان(عج) و از همه معروف‌تر عبد العظیم حسنی اشاره کرد که حضرت در شأن او فرمود: #171؛اگر قبر عبد العظیم حسنی را زیارت کنید، گویا قبر حسین بن علی(ع) را زیارت کرده اید.

مبارزه‌ای سنگین با غلات

از جمله گروههای باطل و منحرفی که در دوران امامت امام نقی‌هادی(ع) فعال بودند، #171؛گروه غلات» را باید نام برد که افکار و عقاید پوچ و منحط و بی اساسی داشتند و خود را شیعه وانمود می‌کردند.

آنان درباره امام غلو نموده و برای او مقام الوهیت قائل می‌شدند و گاهی نیز خود را منصوب از طرف امام قلمداد می‌کردند و بدین وسیله موجبات بدنای شیعیان را در میان فرقه‌های دیگر فراهم می‌کردند.

امام نقی(ع) از این گروه اظهار تبری نموده با آنان مبارزه می‌کرد و تلاش می‌نمود که با طرد آنان، اجازه ندهد لکه ننگی بر دامن تشیع بنشیند.

امام دهم طی نامه‌ها و پاسخهایی که به سؤالات شیعیان در این باره می‌داد، این گروه را منحرف و کافر معرفی می‌کرد و به شیعیان توصیه می‌نمود که از آنان دوری جویند.

امام در پاسخ یکی از شیعیان درباره #171؛ابن حسکه» که از سردمداران غلات آن دوره بود درباره عقاید باطل او، چنین نوشت: #171؛ابن حسکه - که لعنت خدا بر او باد - دروغ گفته است، من او را از دوستان و پیروان خود نمی‌دانم، او را چه شده است؟ خدا لعنتش کند! سوگند به خدا، پروردگار، محمد(ص) و پیامبران پیش از او را جز به آیین یکتا پرستی و امر به نماز و زکات و حج و ولایت نفرستاده و محمد(ص) جز به سوی خدای یکتای بی همتا دعوت نکرده است.

ما جانشینان او نیز بندگان خداییم و به او شرک نمی‌ورزیم. اگر او را اطاعت کنیم مشمول رحمت او خواهیم بود و چنانچه از فرمانش سرپیچی نماییم، گرفتار کیفرش خواهیم شد. ما بر خدا حجتی نداریم، بلکه خدا است که بر ما و بر تمامی آفریده‌هایش حجت دارد. من از کسی که چنین سخنانی می‌گوید، بیزاری می‌جویم و از چنین گفتاری به خدا پناه می‌برم، شما نیز از آنان دوری گزینید و آنان را در فشار و سختی قرار دهید و چنانچه به یکی از آنها دسترسی پیدا کردید، سرش را با سنگ بشکنید.»

شهادت امام هادی(ع)

امام علی نقی(ع) با آنکه در سامرا تحت کنترل و مراقبت قرار داشت، اما با وجود همه رنجها و محدودیتها هرگز به کمترین سازشی با ستمگران تن نداد.

بدیهی است که شخصیت الهی و موقعیت اجتماعی امام و نیز مبارزه منفی و عدم همکاری او با خلفا، برای طاغوت‌های زمان هراس آور و غیر قابل تحمل بود، و پیوسته از این موضوع رنج می‌بردند.

سرانجام امام هادی(ع) در زمان #171؛معتز»، مسموم گردید و در رجب سال 254 هجری به شهادت رسید و در سامرا در خانه خویش به خاک سپرده شد.

زیارت جامعه کبیره؛

یادگاری از امام هادی(ع) در زیارت ائمه اطهار

از امام علی نقی(ع) چند یادگاری همچون زیارت جامعه کبیره، زیارت غدیریه، دعای کوتاه در کنار قبر مبارک آن حضرت، نماز بالای سر در حرم حضرت رضا (ع) و تعقیبات نماز... به یادگار مانده است.

درباره زیارت جامعه کبیره که اقبانوسی موج از معارف الهی و مضامین عالی مشتمل بر معرفی مقام ائمه علیهم السلام است؛ همین بس که به تعبیر علامه مجلسی(ره) زیارت جامعه کبیره از نظر سند و روایت از صحیح‌ترین و قوی‌ترین زیارات ائمه(ع) است که در حرم هر یک از ائمه معصومین(ع) آن زیارت را می‌خوانیم.

زیارت غدیریه نیز سندی بسیار معتبر دارد و روایتگران آن از بزرگان شیعه هستند، این زیارت مربوط به روز عید غدیری است که امام‌هادی(ع) در سفری که به اجبار متوکل از مدینه به سامرا داشتند، ایشان در نجف اشرف این زیارت را خطاب به قبر مطهر جدّ بزرگوارشان حضرت علی(ع) قرائت کردند.

این نکته قابل توجه است که «زیارت غدیریه» را به مانند «زیارت عاشورا» می‌توان هر روز خواند که محدث قمی این زیارت را به طور کامل در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» آورده است.

همچنین امام‌هادی(ع) آنقدر برای زائران و دوستداران و شیعیان خیر می‌خواهند که فرمودند: از خدا خواسته‌ام که هر کس این دعا را در کنار قبر من بخواند ناامید برنگردد: «یا عِدَّتِي عِنْدَ الْعَدَدِ وَ يَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمِدَ وَ يَا كَهْفِي وَالسُّتَدَّ يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا وَ يَا قَلْبَ هُوَ اللَّهُ أَحَدًا اسئلك اللهم بحق من خلقت من خلقتك ولم تجعل في خلقتك مثلهم أحدًا صلّ على جماعتهم وأفعّل بي كذا و كذا ؛ ای ذخیره من در برابر ذخیره‌ها و ای امید من و تکیه‌گاهم و ای پناهگاه، و پشت و پناهم ای یگانه یکتا و ای که درباره خود فرمودی: بگو خدا یکی است، از تو خواهم. خدایا به حق هر کس از آفریدگانت خلق کردی و هیچ کس را مانند آنها در میان آفریدگانت قرار ندادی درود فرست بر گروه آنها و درباره من چنین و چنان کن.(در اینجا حاجات خود را بگوئید)»

امام علی‌النقی(ع) همچنین به پیروان اهل بیت(ع) که به زیارت حرم مطهر امام رضا(ع) مشرف می‌شوند نمازی را آموخته‌اند. ایشان فرمودند: «هر کس از خداوند حاجتی دارد پس قبر جدم حضرت رضا را در طوس زیارت کند و دو رکعت نماز نزد قبر او بگذارد و در قنوت نماز حاجتش را طلب کند. خداوند دعایش را اجابت می‌کند مگر اینکه در مورد گناه یا قطع رحم باشد.»

از «علی بن مهزیار» روایت شده که «محمد بن ابراهیم» به حضرت امام علی‌النقی(ع) نامه‌ای نوشت که اگر مصلحت می‌دانید به من دعایی تعلیم دهید که بعد از هر نماز بخوانم تا خداوند به سبب آن خیر دنیا و آخرت به من عنایت فرماید.

امام‌هادی(ع) این دعا را آموزش دادند: «اعوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قَدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛ پناه برم به ذات بزرگوارت و به عزتت که مورد دستبرد نیست و قدرتت که چیزی از آن خودداری نتواند، از شر دنیا و آخرت و از شر تمامی دردها و جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ.

با تشکر از مهر